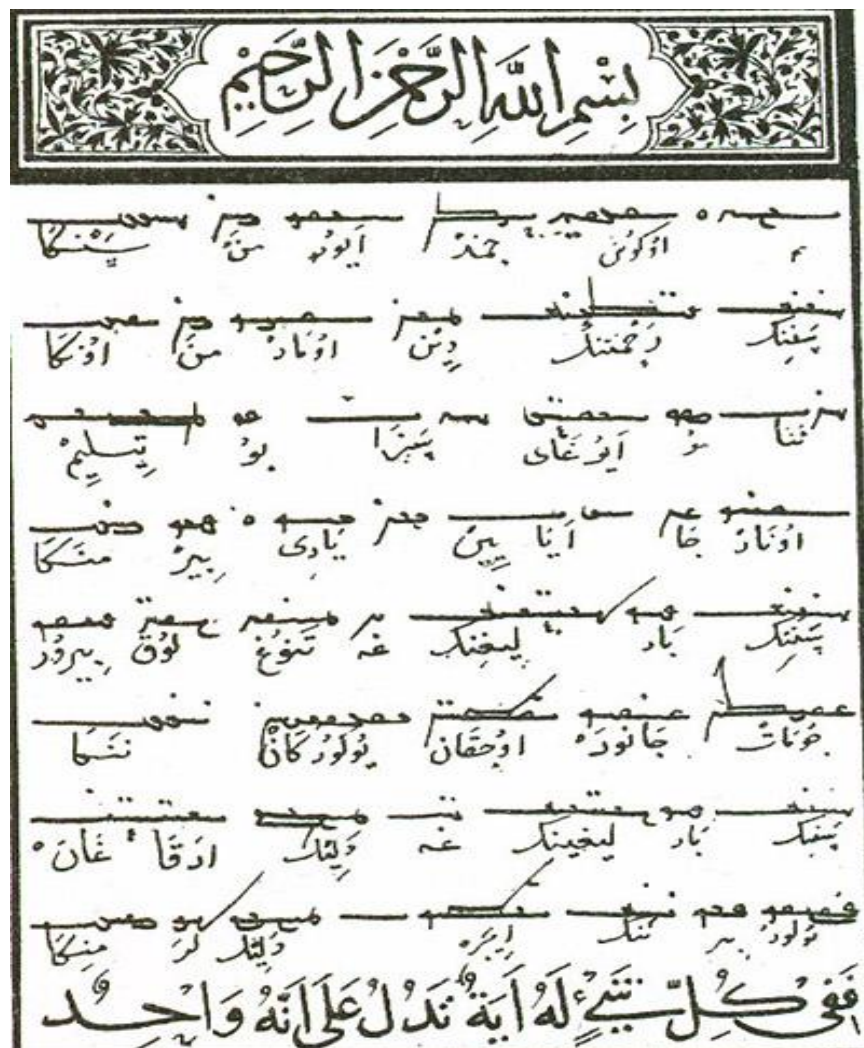


خط و زبان تورکی اویغوری

از خطوط و زبانهای رسمی دول تورکی

حاکم بر ایران

مهران بهاری



برای خواندن نوشته دیگری در باره خط ترکی لطفاً به این آدرس مراجعه کنید:
ممنوع کردن خط لاتین ترکی، کم‌دی - تراژیکی دیگر از قومیت‌گرایی فارسی
<http://www.arazonline.net/azerbaijan/latinalphabe.htm>

سۆزوموز

خط و زبان ترکی اویغوری، از خطوط و زبانهای رسمی دول ترکی حاکم بر ایران

تورکان اویغور از متمدنترین و از پیشگامان تمدن و فرهنگ در میان اقوام باستانی ترک بوده‌اند. در تاریخ تورکی نام اویغورها آنچنان با مفاهیم فرهنگ و تمدن عجین و حتی مترادف شده است که امروزه در زبان ترکی مفهوم "تمدن" با کلمه "اویقار" ادا می‌گردد (از مصدر اویماق به معنی هماهنگ، سازگار و منطبق شدن). در میان اقوام بیشمار ترک که همراه نیروها و ارتش مغول به خاک ایران امروز وارد شدند، گروههای ترکان اویغور جایگاه بسیار بزرگی داشته‌اند. در عهد الجایتوخان، هشت تن از ولایات بسیار مهم دولت، در حاکمیت والیانی از ترکان اویغور بوده است. (سؤین آقا، اسه ن قوتلوق، اویغور تایی، قازان، بایتمیش، سونجاق، توروم تاز، سونوک داش، و ارتنه که بنام خود در شرق ترکیه - بخشی آذربایجانی این کشور - دولتی تاسیس نموده است). علاوه بر تاریخ سیاسی خلق ترک و آذربایجان، ترکان اویغور بر تاریخ و فرهنگ ایران امروز دو تاثیر عمده داشته‌اند. یکی آثار مدنی مانند آشنا ساختن ایرانیان با مفاهیمی مانند کاغذ، خط ترکی اویغوری، تقویم ترکی - اویغوری دوازده حیوانی، نوآوریهای در نگارگری، موسیقی و و دیگری اشتراک در شکل خلق ترک در ایران و آذربایجان. هر دوی این رشته از تاثیرات در آموزه نژادپرستانه و رسمی - دولتی فارسی نادیده گرفته شده و حتی انکار می‌گردند.

در زیر به تاثیرات فرهنگی ترکان اویغور بر مدنیت ایرانیان و از جمله آذربایجان جنوبی اشاره ای فهرست وار شده است. تاکید بر خط ترکی اویغوری که یکی از خطوط رسمی و دولتی دول ترک و آذربایجانی حاکم بر ایران بوده است هم از آن جهت ضروری است که امروزه در میان محورهای سیاست رسمی ترکی زدایی و فارس سازی دولتی خلق ترک در ایران، نه تنها رسمی و دولتی ساختن زبان فارسی، بلکه رسمی و دولتی ساختن خط فارسی و به عبارت دیگر نه تنها ممنوع نمودن زبان ترکی، بلکه ممنوع نمودن خط ترکی نیز وجود دارد:

کاغذ: هدیه مدنیت ترکان اویغور به ملل ساکن در ایران

ترکان آسیای میانه تقریباً در اوان پیدایش و انتشار کاغذ با آن آشنا شده‌اند. آثار مکتوب به زبان ترکی اویغوری که آ. اشتین هنگام کاوشهای باستان‌شناسی در سالهای 1906-1908 میلادی کشف کرده است، گواه این مدعاست. این آثار در خرابه‌های برجهای نگهبانی در غرب دون خوان، که یکی از بزرگترین مستملکات بازرگانی سغدی در ترکستان شرقی (چین) می‌باشد، کشف شده است. آ. اشتین نه فقره نامه کشف کرده است که بی تردید، کاغذهای آنها قدیمی‌ترین تکه کاغذهایی می‌باشند که تاکنون پیدا شده‌اند. مضمون یکی از این نامه‌ها عبارت است از مکاتبه یک مادر ساکن سمرقند با

دختر خود که به قصبه‌های دوردست در ترکستان شرقی رفته است. و. ب. هن نینگ ثابت کرده است این مدارک که به عنوان خط‌های قدیمی سغدی معروف شده‌اند، در آغاز قرن چهارم میلادی در سال‌های 312-313 میلادی نگاشته شده است. «نامه‌های قدیمی» گواهی می‌نمایند که ترک‌ها در آسیای میانه، استعمال کاغذ را اقلای پانصد سال قبل از ایران، آغاز کرده‌اند؛ زیرا برای نوشتن کتاب‌های فارسی میانه که دارای مضمون زرتشتی می‌باشند و در آخر دوره ساسانیان و حتی در قرون اولیه اسلام نوشته شده‌اند، فقط از پوست، یعنی از پرگامنت (کاغذ پوستی) استفاده شده است.

با ظهور اسلام و ورود نیروهای مسلمان عرب به آسیای میانه و مناطق غربی چین، اعراب با پدیده کاغذ آشنا شده و به نوبه خود آنرا به دیگر نقاط جهان منتقل نموده‌اند. موج دوم انتقال این تکنولوژی به غرب، توسط ترکان ایغوری بوده است که همراه با گسترش امپراتوری مغول در آسیای میانه، خاورمیانه و آسیای صغیر در تمام مناطق مذکور پخش گردیده‌اند. از کاغذهای مرسوم و معروف ترکی در قرون وسطی کاغذ خان بالیغ (نام ترکی پکن. کلمه بالیغ-بالیق به معنی شهر و متروپل است)، سمرقندی، ختایی و است.

مینیاتور-نقاشی ایرانی و یا مینیاتور-نقاشی ترکی-چینی؟؟!!

آنچه که قومیت‌گرایان فارس و دولت ایران به غلط مینیاتور ایرانی می‌نامند، در واقع و بی شک نگارگری تورکی - چینی که از آن با نام شیوه مغولی نیز یاد میشود، است. در میان فرهنگیان فارس و نهادهای رسمی فارستان و ایران که همه به شدت تحت سلطه اندیشه‌ها و آموزه‌های شدیداً غیرعلمی و نژادپرستانه فارسی قرار دارند، در باره ی مینیاتور و این که آیا ریشه ی اصلی آن در ایران بوده و یا از دیگر نقاط اقتباس شده و ذوق ایرانی؟؟؟؟!! در آن تغییراتی به وجود آورده سخن‌های بسیار گفته میشود. ولی نظریه هنرشناسان بین المللی چیزی دیگری است. آنها به طور خلاصه بر این باورند که مغول‌ها پس از شکست دادن ترکان اوغور ساکن در ترکستان، از تمدن و جلوه‌های مختلف هنری که در میان آنان متداول بود استفاده کرده‌اند. از جمله سبک نقاشی مانوی را که در آن جا رواج داشت اقتباس نموده و هنگامی که به ایران تاختند و به همراه ترکان اوغور، این سبک را با خود به ایران امروزی آورده‌اند. در این جا، این سبک بیش و کم متداول گردید و موجب الهام گرفتن نقاشان بومی ایرانی شد و از آن مکاتب جدید ترکی و نیز کاملاً آذربایجانی دیگری به وجود آمد که مجدداً در سراسر خاورمیانه رایج گردید. مکتب‌های نقاشی ترکی، عربی، مغولی و هندی و فارسی معاصر همه از آن منشعب گردیده و یا متأثر شده‌اند.

خط و زبان ترکی اوغوری، از خطوط و زبان‌های رسمی دول ترکی حاکم بر ایران

از ماندگارترین هدیه‌های ترکان اوغور در تاریخ فرهنگ ایران، خط ترکی اوغوری است که برای نوشتن زبان ترکی باستان نیز به کار رفته است. قبل از آنکه در حدود سده 10 م خط عربی برای نوشتن زبان‌های تورکی به کار گرفته شود، الفبای اوغوری در آسیای میانه در فاصله سده 5 م. تا 15 م. متداول بوده است. این خط از خط سغدی گرفته و به زبان تورکی اوغوری تطبیق داده شده بود. اوغورها بعد از قبول دین مانی الفبای گوک تورک را رها نموده و به جای آن الفبای جدیدی

بر مبنای الفبای سغدیان مانوی ساختند که به الفبای اویغوری معروف و از قرن هشتم میلادی خط رسمی شد. الفبای سغدی ۲۲ حرف داشت و بر مبنای آرامی بود. خط اویغوری ۱۸ حرف دارد و برای مشخص نمودن حروف صدادار، صرفاً سه حرف بکار می برد. برای رفع نواقص خط اویغوری که شبیه خط آشوری است از نقطه گذاری استفاده شده است.

هرچند اقوام تورک در قرون ۱۰-۱۱ میلادی آغاز به کاربرد خط عربی نمودند، اما خط تورکی اویغوری تا قرن ۱۵ میلادی نیز به طور پراکنده، به عنوان نمونه در ایران، به عمر خود ادامه داد. در ترکستان شرقی (چین) خط و الفبای اویغوری بعد از قبول اسلام نیز بکار رفته است. خط اویغوری در قرون وسطی به موازات زبان تورکی ایغوری، در میان تمام اقوام ساکن در سرزمینهای پیرامون ایپک یول (جاده ابریشم) رایج گردید و تا به دربارهای دولتهای ترکی آذربایجان (قاراقویونلو) و سلطان محمد فاتح در استانبول (عثمانلی) راه یافت. چنانچه طبق منابع تاریخی جهانشاه تورکمان قاراقویونلو حقیقی، برجسته ترین پادشاه دولت ترکی آذربایجانی قاراقویونلو، با استناد به اوغوزنامه ای به "زبان اویغوری" که در کتابخانه دربارش در تبریز موجود بود به سفیر عثمانی اظهار میداشت که پدرش قارا یوسوف (قره یوسف) و سلطان مراد عثمانی هر دو از تبار و نسب اوغوزخان میباشند.

خط و الفبای اویغوری در زمان مغولها و بعد از آن یکی از خطوط و زبانهای رسمی دولت ایشان و دیگر دولتهای تورکی حاکم بر ایران مانند تیموریان و ایلخانیان بود. قدیمی ترین یاسای چنگیزی به خط اویغوری نوشته شده است. تورکان اویغور معلمان و کاتبان خانهای مغول بوده و توسط خط اویغوری به آنان سواد آموزی کرده اند. ایلخانان ایران و آذربایجان در فرمانها و نامه های خود زبان مغولی و ترکی و خط اویغوری را بکار میبردند. به عنوان نمونه الجایتو خدابنده (خان بزرگ تاتار نامههایی به زبان مغولی و به خط اویغوری به فرمانروایان مسیحی اروپا می فرستاد ("خرینده" احتمالاً محرف "خوربندا" یا "قوربندای" مغولی به معنای سومی ویا پسر سوم؛ "اولجایتو" نیز به ترکی به معنی دارای نیک بختی و یا غنیمت جنگی می باشد. -تو پسوند نسبت و مالکیت است).

دوران دولتهای ترکی آذربایجانی ایلخانان، تیموریان و در عین حال دوران ورود حاکمیت واژگان بی شمار تورکی و آلتائی در زبان فارسی بویژه در عرصه اصلاحات دیوانی است. همچنین تورکان اویغور ناقل فرهنگ چین و اصطلاحاتی مانند (لعبت چین، نقاش چین، مشگ ختن، ترکان ختا و...) به ادبیات فارسی شمرده می شوند. در اصطلاحهای دیوانی دول تورکی حاکم بر ایران، سهم زبانهای اویغوری، جغتایی، اوغوزی-سلجوقی بیش از دیگر زبانها و گویشهای گروه تورکی است. منظور از اصطلاحات دیوانی لغتهایی است که به گونه ای با دستگاه سلطنت، دیوانهای گوناگون، سپاه، شغلهای حکومتی و درباری، مالیاتها و مانند آن بستگی داشته است. این اصطلاحها از زبانهای فارسی، عربی، مغولی، ترکی، چینی و بندرت از یونانی و سانسکریت گرفته شده است. بررسی ریشه شناسی ماده های اصلی نشان میدهد که در حدود ۴۸ درصد لغات و اصطلاحات دیوانی دولتهای تورکی بعد از مغول - پیش از قزلباش، دارای منشاء آلتایی هستند. پس از واژه های آلتایی به ترتیب سهم عربی و فارسی در خور ذکر است. ضمناً تعدادی واژه چینی، یونانی و سانسکریت و واژه های دورگه آلتایی و فارسی و عربی نیز وجود دارند.

کتاب سراج القلوب نوشته شده به تورکی اوغوری در شهر یزد فارسستان

در دوره مغول، زبان و خط اوغوری سمبل تشخیص و برتری شمرده می شد. خط تورکی اوغوری در میان ملل تورکی آنچنان از قرب و منزلتی برخوردار بود که حتی صنف جدیدی از آشپقان ترک و ترکمن، به صرف دانستن این خط بنام بخشی بوجود آمده است. اسپینسکی محقق روسی، در اثر خود موسیقی ترکمن می نویسد: "بخشی به کسی اطلاق می شده است که می توانسته خط اوغوری را به خوبی بخواند. بخشی ها، روان پزشکی هستند که نفسی گرم به ایشان بخشیده شده است". همانگونه که قبلا ذکر شد خط اوغوری علاوه بر تورکان، در میان ملل دیگر منطقه نیز رایج شده بود. در اینباره در مقدمه تاریخ جهانگشای جوینی - یکی از کتب معتبر و ارزشمند تاریخی ایران از قرن هفتم - اثر عطا ملک جوینی، از منشیان و نویسندگان و درباریان دستگاه مغول، چنین گفته میشود: "امروزه، گستره زمین عموماً و شهرهای خراسان..... زبان و خط اوغوری را هنر و دانش بزرگ دانند". (تاریخ جهانگشای جوینی نویسنده علاءالدین عطا ملک جوینی، به تصحیح دکتر منصور ثروت، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، سال 1378، صفحات 37 و 38)

خط اوغوری به همراه خطوط اورخون، عربی و لاتین یکی از چهار خطی در تاریخ است که توانسته اند موقعیت خط ملی تورکی را کسب نمایند. آثار تورکی به دست آمده نوشته شده به الفبای اوغوری بیشتر از آثار نگاشته شده به خط رونی تورکی است. شماری از مهمترین آثار ادبیات تورک به خط و الفبای اوغوری به تحریر در آمده اند. از جمله این متون میتوان این آثار را ذکر نمود: "قوتادغویلیک" (علم سعادت بخش اثر بالاساغونلی)، "عتبه الحقایق"، "اغوزنامه" (که با کتاب دده قورقورت همخوانی دارد)، "بختیارنامه" (نوشته شده به سال ۱۴۳۵، اثر منصور بخشی. نسخه اصلی در آکسفورد)، "معراج نامه" (ترجمه شده به ترکی شرقی توسط میر حیدر، و خوشنویسی شده به خط اوغوری توسط مالک بخشی هراتی، منتشر شده از سوی مدرسه زبانهای زنده شرقی پاریس، کتابخانه ملی، ضمیمه ادبیات ترک، شماره 190 با 63 نگاره ۱۸۸۲)، "تذکره الاولیا" (منتشر شده توسط پاره دو کوریل، در پاریس به سال ۱۸۸۹)، "محبت نامه" خوارزمی، "مجموعه اشعار قاسم" (در موزه بریتانیا). در این میان می بایست بویژه از کتاب "سراج القلوب" منصور بخشی یاد نمود که در سال ۱۴۳۲ میلادی در شهر یزد فارسستان نوشته شده است. این کتاب یکی از آخرین نمونه های استفاده از خط اوغوری در جهان است. نوشته شدن سراج القلوب در قرن پانزده به فارسستان، نشانگر این واقعیت مسلم است که ایران در قرون وسطی نیز به منزله جزیی از دنیای تورک، مهد حیات ادبی و پاسدار فرهنگ تورکی بوده است.

حماسه اوغوز خاقان اوغوری نوشته شده در ایران

حماسه اوغوز خاقان یکی از مشهورترین نمونه های ادبیات شفاهی تورکان پیش از اسلام است که پایش با الفبای اوغوری و به اشکال مختلف تکرار شده است. بنابه نظر صاحب نظران این حماسه در ایران نوشته شده است. فاروق سومر تورکی شناس برجسته در این باره می گوید: "لازم به یادآوری است که داستان اوغوزخاقان اوغوری نیز در ایران، در عصر ایلخانیان و در زمان قازان خان و یا جانشین او به تصنیف درآمده است و در این خصوص هیچ شبهه ای نباید داشت. نوشته شدن این اثر در جایی دیگر و بخصوص در [خود] سرزمین اوغور غیر ممکن است. زیرا آن حال و هوای معنوی که باعث به قلم

گرفته شدن آن شده بود. فقط در ایران و در دربار ایلخانیان و حواشی آن احساس می شد. این هوای معنوی را نوعی شعور قوی ملیت گرایی تورک (*Türkcülük*) گرمی می بخشید و این شعور پان تورکیستی عامل بوجود آمدن هر دو اثر گشته بود... تفکر ملیت گرایی تورکی در بارگاه ایلخانیان و قلمرو آنان شروع شده بود... ابوبکر تهرانی، مورخ آق قویونلو نیز به هنگام تألیف شجره نامه‌ای در باره ارتباط اوزون حسن به یگ با اوغوزخان و نوح علیه السلام از مبحث «شجره ها» می جامع التواریخ بهره برده است. چنین بر می آید که قاجاریان آخرین سلسله ترک در ایران نیز اوغوزها را اجداد خود می دانستند و به آنها علاقه نشان می دادند.

در منابع تاریخی به شناخته شدن داستان اوغوز خان اویغوری در ایران و آذربایجان، حتی پس از ایلخانان اشارات گوناگونی شده است. شکرالله از مؤلفین و مؤرخان عثمانی قرن پانزدهم در زمان امپراتور عثمانی سلطان مراد دوم، هنگامی که به همراه سفیران در بارگاه جهانشاه قراقویونلو در تبریز حضور یافته بود، در این بارگاه متنی در باره تاریخ اوغوز و یا اوغوزنامه به ترکی اویغوری مشاهده کرده است. همانگونه که معلوم است قراقویونلوها نیز مانند تورکمانان آغ قویونلو و دولتهای تورک و آذربایجانی پیش از خود، در حفظ ویژگیهای قومی و پایبندی به سنتهای ملی ترکی شان کوشا بوده اند. جهانشاه با استناد به این اوغوزنامه اویغوری که در کتابخانه دربارش در تبریز موجود بود به سفیر عثمانی اظهار داشته که پدرش قارا یوسف (قره یوسف) و سولطان مراد (سلطان مراد) عثمانی هر دو از اولاد اوغوزخان میباشند. شکرالله در کتاب "بججت التواریخ" [از نخستین تواریخ عثمانی، تألیف ۱۴۵۶ میلادی] می نویسد: "... چنین است که در تاریخ ۸۵۲ مرحوم "سلطان مراد" [پدر سلطان محمد فاتح] این فقیر را [به سال ۱۴۴۸] به رسالت میرزا جهان شاه منظور داشت. چون رسیدیم و خدمت به جای آوردیم، روزی سقاوی آمد که میرزا با شما در خلوت صحبت خواهد کرد، باید آمدن. سمعاً و طاعه گفته، رسیدیم. در اثنای صحبت میرزا فرمود که سلطان مراد برادر اخروی من است و غیر از برادری، خویش من است. سبب خویشی پرسیده شد. فرمود که "مولانا اسماعیل تواریخ خان" را بخوانند و تواریخ اوغوز بیارند. مولانا اسماعیل آمد و کتابی آورد مغولی [اویغوری] نوشته. از این کتاب خبر داد که اوغوز را شش پسر بوده. نام ایشان: گوک [گوئی] آلپ، بیر [بیتر] آلپ، دنگیز [دنیز] آلپ، گون آلپ، آی آلپ، بیلدیز [اولدوز] آلپ. میرزا فرمود برادرم سلطان مراد به گوک آلپ بن اوغوز می رسد و نسب قره یوسف به دنگیز آلپ می رسد".

سکه‌های اویغوری

یکی از عرصه های مهم کاربرد رسمی و دولتی زبان و خطوط ترکی در دولتهای ترکی ایران کاربرد آنها در ضرب سکه است. قریب به تمام دولتهای ترکی ایران زبان و عبارات ترکی با خط اویغوری و یا عربی را در پولها (سکه ها، اسکناسها)، مهرها، طغراها (توغرا ویا توغراق، تورا مهری است که بر فرمانهای پادشاهان ترک زده میشده است) توقعات، فرمانها و نامه ها نیز بکار برده اند. در این سکه ها عبارت سؤزوموز و یا بعضن سؤزوم به معنی فرمان ما همیشه ضرب شده است. مغولها، تیموری ها (گورکانیها و میرانشاهها)، ایلخانیه (هولاکویی)، جلایری (ایلکانی)، چوپانی، اینجویی (آل مظفر)، قراقویونلو (بارانلوا)، آغ قویونلو (بایندرپه)، صفوی (قزلباشیه)، افشار و قاجارها در میان این دولتهای ترک و آذربایجانی هستند. بر این سکه ها نام سلاطین عموماً به زبان ترکی و به خط عربی، اویغوری حتی گاه چینی نگاشته شده است. مثلاً در سکه‌های

قازان خان علاوه بر خط عربی از خط ترکی اویغوری و چینی به طور توأمان استفاده شده است. بر سکه های سلسله های ترک شده مغولی اکثراً عباراتی به ترکی مانند "قوتلوق بولسون" (قوتلو اولسون=مبارک باد) چاپ شده است. بر سکه های چنگیز خان عبارت ترکی "قآن العادل، چنگیز خانی ن یارلیغی" (فرمان شاهنشاه عادل، چنگیز شاه) دیده میشود. (یارلیق به معنی "بویروق و معادل فرمان فارسی و امر عربی است).

سکه های دوره مغولی و ایلخانی به خط اویغوری است. سکه های این دوره (قازان محمود، اولجایتو محمد خدابنده، بوسعید بهادرخان، طغایمور، سلیمان) با خط اویغوری از بهترین سکه های ضرب ایران (در شهرهای تبریز، ساوه، سمر، بغداد، کاشان، اصفهان، آمل، دامغان، جرجان، سمنان، سلطانیه و ...) می باشند. (در دوره های بعد دولتهای تورک حاکم بر ایران در ضرب سکه از خط نستعلیق - خطی ایجاد شده توسط ترکان آذربایجان - استفاده کرده اند.

خط ترکی سیاقی

در زمانهای قدیم در آذربایجان و در میان کسبه ترک با سواد یک خط ریاضی بنام خط سیاق مرسوم بود که وسیله ای برای نوشتن قیمتها و ارقام و اعداد و یادداشت کردن اقلام نسبه به حساب مشتری بکار می رفت. کاسب های بیسواد نیز با کمک فرزندان و یا دیگران این حسابها را یادداشت می کردند. کلمه سیاق از فعل سایماق (شمردن ترکی) گرفته شده است. (ساییق در زبان ترکی به معانی هوشیار، بیدار، نیمه بیدار، دارای خواب سبک، محتاط، دقیق، شمرده شده، به حساب آمده، مورد احترام.... و سایاق به معنی نوع، طور، سبک، قاعده، روش.... است). این خط را که امروزه نیز در میان بعضی از بازاریان قدیمی رواج دارد از بقایای خط و الفبای قدیم ترکان یعنی اویغوری شمرده اند. اعداد در این خط با دو واحد قیران (از لقب فتحعلی شاه قاجار، صاحب قران) و تومن (کلمه ای ترکی به معنی هزار) حساب میشوند و با آن میتوان تا رقم ۹۹۹۹۹۹۹ را نشان داد.

برخی خط سیاق فوق الذکر را ایجاد شده از خط سیاق و یا سیاق رایج در ممالک اسلامی شمرده اند. انواع خطوط اصلی موجود در آثار و کتب خطی رایج در ممالک اسلامی در تمدن اسلامی عبارتند از: کوفی، نسخ، ثلث، محقق، ریحان، رقاع، توقیع، تعلیق، شکسته تعلیق، نستعلیق، شکسته نستعلیق و سیاق. بعدها در دوره های متأخر، برای محاسبات دیوانی، اسناد و دفاتر داخل و خرج، شیوه دیگری مورد استفاده قرار گرفت که به خط سیاق (= سیاق) معروف شد. کاتبان این خط برای اعداد و کلمات اختصاری وضع می کردند که خواندن آن برای بسیاری آسان نبود. بخش بسیار بزرگی از اسناد تاریخی و مکاتبات دولتهای ترکی آذربایجانی قارا قویونلو، آغ قویونلو، صفوی، افشار و قاجار که بالغ بر میلیونها عدد میشود، به خط سیاق است. به همه حال، حتی اگر خط مورد استفاده کسبه ترک، بازمانده خط اویغوری نبوده بلکه مربوط به خط سیاق بوده باشد، باز منشایی ترکی دارد. زیرا خط سیاق (سیاق) به همراه خطوطی مانند دیوانی، دیوانی جلی، رقاع، و توسط ترکان عثمانی و خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق توسط ترکان آذربایجانی بوجود آمده اند. خط نستعلیق، تا پذیرش الفبای لاتینی، خط ملی ترکان آذربایجانی بوده است.

هزاران سند ترکی اویغوری، متروک و مهجور در موزه ها و کتابخانه های ایران

متأسفانه سیاست دولتی و رسمی فارسی سازی و حذف خلق، زبان و فرهنگ و تاریخ ترکی از صحنه ایران، دامنگیر صدها اثر و سند ارزشمند تاریخی به خط تورکی اویغوری در موزه ها و کتابخانه های ایران نیز شده است. محمدزاده صدیق برای این امر دلایلی را مطرح کرده و می نویسد: "... شاید به خاطر اینکه آثار فرهنگی سنگ نبشته های گوئی تورک و چرم نبشته های اویغوری از تاریخ ایران زدوده شود. من در مقدمه ی این کتاب و نیز کتاب "یادمانهای ترکی باستان" بعضی کتیبه ها را معرفی کرده ام که هنوز در زیرزمین موزه ی ملی ایران مهجور و متروک مانده و اغلب به خط الفبای کهن تورکی سومری، اویغوری و اورخونی نوشته شده اند."

امروزه در کتابخانه ها و موزه های سراسر ایران صدها، و هزاران سند و اثر، یرلیغها و نامه ها به خط ترکی اویغور موجود است که مهجور و رها شده اند، از جمله در موزه ایران باستان که اسناد متعددی به خط تورکی اویغوری و بعضا دارای مهرهای چینی را در خود جای داده است. در خبری گفته می شود که اخیراً ۱۰۰ سکه تاریخی در استان زنجان آذربایجان مستندسازی شده است. در میان این سکه ها، سکه های ایلخانی دارای خطوط مغولی و اویغوری نیز وجود دارند. در خبر دیگری گفته میشود که با اقدام مشترک موزه ملی ایران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی فهرست تفصیلی اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، شامل مبیعه نامه، مصالحه نامه، اقرارنامه، رای قاضی، وقفنامه، اجاره نامه، استشهادیه، سیاهه، عریضه، هبه نامه، تقسیم نامه، قرض نامه، امان نامه، استفتاء و رسید اموال منتشر می شود. بخش اعظم این اسناد در موزه ملی ایران، بخشی در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در اردبیل، تعدادی در کتابخانه ملی تبریز و بخشی نیز در سازمان اوقاف و امور خیریه نگهداری می شود. مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی که در موزه دوران اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می شود کهن ترین بایگانی دوران اسلامی ایران حاوی قدیمی ترین نمونه های اسناد است. این مجموعه که شامل 600 سند می باشد در سال 1377 از گنجینه ذخایر مرکزی موزه ملی ایران به بخش دوران اسلامی این موزه منتقل شده است. آثار مجموعه نگهداری شده در موزه دوران اسلامی مربوط به سده های پنجم تا دهم هـ. ق با خطوط تعلیق و رقاع بی نقطه و توقیع و تعدادی نیز به خط اویغوری است. این اسناد به زبان فارسی، عربی و مغولی نگاشته شده است.

تقویم ترکی چینی دوازده حیوان

یکی دیگر از هدیه های ترکان اویغور به مردم ایران، تقویم ترکی اویغوری و یا چینی ترکی است. در تاریخ اسلامی این تقویم به نام های تاریخ ترک، تاریخ ترکستان، تاریخ ختن، اویغور و یا تاریخ ترکان مشهور است. سالهای تقویم دوازده حیوان ترکی با نام های دیگر بکار برده شده توسط اقوام مختلف ترک در داخل پارانتز چنین است: ۱- سیچان، ۲- سیغیر (اود، اوکوز)، ۳- بارس (قاپلان، بوری)، ۴- دووشان، ۵- لوی (کلته، بالیق)، ۶- ایلان، ۷- یونت (آت، ایلخی)، ۸- قویون (تکه)، ۹- پیچین، ۱۰- تویوق (قوش)، ۱۱- ایت، ۱۲- دونوز. تقویم ترکی- اویغوری در همه اسناد و فرمانهای شاهان ترک حاکم بر ایران تا ربع اول قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفته است. حتی کریم خان زند نیز که از ملیت لک است، در یکی از

فرمانهای خود که در آن شخصی بنام میرزا زین العابدین را به سمت وزیر موقوفات منصوب می کند، می نویسد: "هذه السنه میمون، قویون ایلی به مرتبه بلند منصب ارجمند وزارت موقوفات ... مفتخر و مبلغ پنجاه تومان تبریزی". بویژه شاهان دولت ترکی آذربایجانی قاجار مصر تقویم دوازده حیوان ترکی را در منشات و مصوبات خود بکار برده اند. پس از کودتای استعماری رضاخان، تقویم ترکی دوازده حیوانی، متروک و تقویم خورشیدی با نام ماههای جدیدی که بر اساس دین زرتشتی است یعنی تقویم فعلی قوم فارس ایجاد شد. تقویم جدید خورشیدی فارسی حتی پیشتر از زبان و خط قوم فارس، یعنی از سال شروع سلطنت رضاخان، رسمی و دولتی اعلام گردید. در ایران این تقویم که از آن تاریخ تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته است -مانند زبان و خط فارسی- بر همه ملل غیر فارس ایران تحمیل شده است.

گُرچه یه هو!!!